

تحلیل اجتماعی

تأثیر کنش‌های اخلاقی بر پیشرفت اجتماعی

از دیدگاه قرآن کریم*

- سیدعلی نقی ایازی^۱
- سیدمحمود مرویان حسینی^۲

چکیده

کنش‌های اخلاقی به دلیل اولویت هدف رسالت و ارتباط تنگاتنگش با پیشرفت اجتماعی، دارای اهمیت هستند. لذا شناسایی و تحلیل اجتماعی این دسته از کنش‌ها از میان آیات وحی، هدف این پژوهش است و به تأثیر کنش‌های اخلاقی در تولید سرمایه اجتماعی در فرایند پیشرفت، مبتنی بر تعالیم دینی پرداخته و به این پرسش‌ها بر اساس آموزه‌های قرآن پاسخ می‌دهد. کنش‌های اخلاقی چه تأثیری در شکل‌گیری پیشرفت اجتماعی دارند؟ کنش‌های اخلاقی چگونه مولد سرمایه اجتماعی بوده و بر پیشرفت تأثیرگذارند؟ این دسته از کنش‌ها دارای چه مختصات، مصادیق و ابعادی هستند؟ آثار و پیامدهای این دسته از کنش‌ها چیست؟ با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی، آن دسته از کنش‌هایی که

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴.

- این مقاله مأخوذ از طرح پژوهشی نویسنده مسئول بوده که با حمایت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی صورت گرفته است.
۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول) (a.ayazi@isca.ac.ir).
 ۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (marvian@razavi.ac.ir).

در گسترش تعاملات اجتماعی مطلوب و پیشرفت آفرین بوده، مورد بررسی و تتبع و تحلیل اجتماعی قرار گرفته‌اند. از راستگویی، امانتداری، وفای به عهد، ایثار، تواضع، استغفار، گذشت نسبت به دیگران، مهرورزی، عدم خشونت، عفت و پاکدامنی، صبر و صداقت و کنش‌های خیرخواهانه توأم با نظارت‌های اجتماعی بحث شده که منجر به صمیمیت، باهم‌بودگی، انسجام و گسترش تعاملات اجتماعی و روابط گرم و عاطفی به دور از کینه شده و در نتیجه سبب تولید سرمایه اجتماعی و ارتقاء آن گردیده و منجر به تراکم کنش‌های معطوف به هدف و تعالی که لازمه پیشرفت است، خواهد شد.

واژگان کلیدی: کنش اخلاقی، پیشرفت اجتماعی، تحلیل محتوا، جامعه‌شناسی پیشرفت، تعاملات اجتماعی مطلوب، سرمایه اجتماعی.

۱. درآمد

پیشرفت، سازه‌ای است که از مؤلفه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تشکیل شده است. گستره پیشرفت در جامعه، ارتباط تنگاتنگی با رشد و ارتقاء این مؤلفه‌ها دارد. در این میان، مؤلفه اجتماعی به لحاظ گستره و عمق اثرگذاری در سایر مؤلفه‌ها و چرخه طولانی تغییر و تحول، از اهمیت بیشتری برخوردار است. ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌های اخلاقی، عناصر اصلی مؤلفه اجتماعی‌اند. ارزش‌های مبتنی بر شریعت و هنجارهای متأثر از آن، مبنای شکل‌گیری اخلاق اجتماعی در بین آحاد جامعه و نهادهای مدنی هستند. کنش‌های اخلاقی، ملاک و معیار باید‌ها و نباید‌ها را تعیین کرده و انسان اجتماعی را در مسیر و جهت کمال و رشد سوق می‌دهند. روشن است که میان مؤلفه‌های سازه پیشرفت دادوستد برقرار است.

در این جستار، تنها بخشی از مؤلفه اجتماعی یعنی کنش‌های اخلاقی و نقش آن‌ها در رشد کل سازه یعنی پیشرفت، کانون اصلی پژوهش است. به دیگر سخن، شناسایی آن دسته از کنش‌های اخلاقی که در فرایند پیشرفت مؤثر بوده و در آموزه‌های قرآن بدان‌ها تأکید شده، هدف این پژوهش است. بر این اساس، مسئله اصلی، بررسی نقش و تأثیر کنش‌های اخلاقی در پیشرفت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم است. مهم‌ترین پرسش‌هایی که بدان‌ها پاسخ داده خواهد شد، از این قرارند: کنش‌های اخلاقی چه

تأثیری در شکل‌گیری پیشرفت دارند؟ مختصات کنش‌های اخلاقی مؤثر بر پیشرفت در آموزه‌های قرآن چیست؟ این دسته از مختصات دارای چه ابعادی هستند؟ کنش‌های اخلاقی بر چه عناصری در سازه پیشرفت، تأثیر مستقیم دارند؟

۲. پیشینه

آثار بررسی شده، ناظر به بررسی متغیر پیشرفت و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه اسلامی است. مقاله «الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس مفاهیم قرآن کریم» (لک‌زایی و سنقری، ۱۳۹۴) به چگونگی شکل‌گیری الگوی اسلامی پیشرفت بدون بررسی متغیرها پرداخته و وجه تفسیری آن، مطالعه را شکل داده است. در مقاله «الگوی پیشرفت سیاسی جامعه مبتنی بر نظام جامع آموزه‌های قرآن کریم» (شاه‌بازپور و دیگران، ۱۳۹۸) نیز با رویکرد پیشرفت سیاسی جامعه، از میان آیات وحی بررسی صورت گرفته است. در مطالعه‌ای با عنوان «مبانی ارزش‌شناختی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» (جداری عالی، ۱۳۹۵)، مبانی ارزش‌شناختی که در تدوین اصول و قواعد نظری و راهبردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که در راستای نیل به اهداف و آرمان‌های متعالی انسان اسلامی مؤثر است، بررسی شده است. اما آثاری که ناظر به موضوع اصلی این پژوهش، یعنی بررسی تأثیر انواع کنش‌ها بر وقوع پیشرفت باشد، به چشم نیامد. تنها اثری که مرتبط با مسئله اصلی پژوهش منتشر شده، کتاب *بررسی جامعه‌شناختی الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس آموزه‌های قرآن با تأکید بر کنش‌های اجتماعی* (ایازی، ۱۳۹۹) است. در این اثر، ضمن گزارشی از انواع کنش‌های اجتماعی به عنوان یکی از متغیرها در فرایند پیشرفت، ابعاد و مختصات کنش، شاخص‌ها و آسیب‌های آن واکاوی شده و در نهایت منجر به شکل‌گیری نظریه‌ای در زمینه انواع کنش‌های اجتماعی در فرایند پیشرفت گردیده است. وجه تمایز نوشتار حاضر آن است که ضمن بهره‌گیری از روش‌شناسی متمایز با سایر آثار، تنها تأثیرات کنش‌های اخلاقی در فرایند پیشرفت را مورد بررسی قرار داده که آن هم محدود به آیات قرآن کریم و مبتنی بر تحلیل اجتماعی و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته است.

۳. چارچوب مفهومی

تبیین مفهومی واژگان بنیادین مطرح در مسئله تحقیق، نقش بسزایی در روشن کردن ابعاد و گستره موضوعی پژوهش دارد. از این رو، شایسته است ضمن تعریف دقیق کنش‌های اخلاقی و پیشرفت به عنوان دو مفهوم اصلی چارچوب مفهومی این پژوهش، ابعاد گوناگون آن نیز مورد کاوش قرار گیرد.

۱-۳. کنش‌های اخلاقی

کنش‌های اخلاقی، دسته‌ای از کنش‌های اجتماعی‌اند که محصول ارزش‌های حاکم بر جوامع و مبتنی بر هویت اخلاقی می‌باشند. «به عبارتی، وقتی اخلاق نقش محوری در تعریف فرد از هویتش داشته باشد، ارزش‌های اخلاقی به مثابه بخش جدایی‌ناپذیر کنش‌های اخلاقی فرد در نظر گرفته می‌شوند و می‌توان امیدوار بود که وی در موقعیت‌های مختلف کنش اخلاقی داشته باشد» (مدنی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۳۵). بنابراین کیفیت و میزان درونی‌سازی ارزش‌ها، کنش‌های مبتنی بر اخلاقیات را شکل می‌دهد. هر چه ارزش‌های منطبق با فطریات در جامعه از اشاعه بیشتری برخوردار باشد و در آحاد آن جامعه درونی شده باشد، احتمال وقوع این دسته از کنش‌ها بیشتر خواهد بود. طبیعت و ذات این دسته از کنش‌ها می‌تواند زمینه تحقق پیشرفت را بیشتر محتمل سازد.

۲-۳. پیشرفت

پیشرفت در لغت، واژه‌ای فارسی است به معنای حرکت به سوی جلو و افزایش در کیفیت چیزی (صدری افشار و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۳۸)، و در اصطلاح، مفهومی است که بیش از هر چیز، حرکت ترقی‌خواه و رو به جلو از آن به ذهن متبادر می‌شود (اسدی، ۱۳۷۳: ۱۶). در عصر جدید، این مفهوم بیش از هر چیز معنای رشد کمی و کیفی و افزایش حجمی را به خود گرفته که منجر به تحول کیفیت زندگی و بافت اجتماعی جامعه و تعدیل درآمدها و زدودن فقر و محرومیت و بیکاری و تأمین رفاه همگانی و رشد علمی و فناوری درون‌زا در یک جامعه می‌گردد و از آن به «توسعه» تعبیر می‌شود (توسلی، ۱۳۷۳: ۴۴۳).

در اندیشه اسلامی، پیشرفت فرایندی جهت‌دار است و هدف نهایی آن، رساندن انسان به کمال نهایی شایسته‌اش، یعنی قرب الی الله و تأمین رفاه مادی انسان در حد معقول است که در مقایسه با هدف نهایی (قرب الی الله)، به عنوان هدفی متوسط و به منزله ابزاری برای رسیدن به آن است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۴؛ همو، ۱۳۷۹: ۴۶۱).

۳-۳. سرمایه اجتماعی^۱

مجموعه منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (فیلد، ۱۳۹۲: ۳۱). در این بین، اعتماد رکن بنیادین در سرمایه اجتماعی است؛ زیرا انسان‌ها در هر جامعه‌ای برای رفع نیازهایشان مجبور به برقراری رابطه با دیگران هستند. یکی از مهم‌ترین لوازم ارتباط مفید در سطح هر جامعه، اعتماد است. اعتماد در حفظ حیات اجتماعی، نظم و استقرار پیوندهای میان اعضای جامعه مؤثر است و نقش بنیادی دارد.

تعداد قابل توجهی از جامعه‌شناسان، نگاهی دقیق به اعتماد و صمیمیت به عنوان دو مؤلفه سرمایه اجتماعی داشته، معتقدند که کمبود اعتماد اجتماعی در یک جامعه باعث می‌شود تا افراد کمتر با یکدیگر ارتباط برقرار سازند (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳).

شبکه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی نیز به عنوان یکی از عناصر سرمایه اجتماعی مطرح هستند. هر اندازه شبکه‌ها در یک جامعه متراکم‌تر باشند، احتمال همکاری آحاد جامعه در تأمین منافع متقابل بیشتر است (همان: ۶۹).

۴. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روش کیفی بوده و با استفاده از شیوه تحلیل محتوای کیفی استقرایی که یکی از شیوه‌های روش کیفی است، پژوهش صورت گرفته است. در این شیوه، شناخت واقعیت جز با درک آن به مثابه یک کل واحد و به هم پیوسته ممکن نمی‌شود. همچنین فهم معانی مستتر در پیام‌ها تنها با گذر از سطح و با رسوخ به

1. Social capital.

معانی پنهانی که در پس اجزای متن نهفته‌اند، میسر خواهد شد. در تحلیل محتوای کیفی، با در نظر داشتن کاستی‌ها، محقق فعالانه وارد فرایند تحقیق می‌شود و تلاش می‌کند با در نظر گرفتن بافت ارتباطی که موضوع مطالعه در آن ریشه دارد (مانند: نیت مؤلف و زمینه فرهنگی موضوع)، ویژگی‌های متن (مانند: بافت غیر زبانی، نشانه‌شناختی، دستوری)، ویژگی‌های گروه هدف و دریافت‌کنندگان، درک خود را از متن عمق بخشد (Mayring, 2003: 267). مسیر حرکت در تحلیل محتوای کیفی عمدتاً از متن به سمت بیرون کشیدن مقولات و سپس ایجاد الگوها و نقشه‌های مفهومی است. از این رو، کاربرد بیشتر منطق استقراء در آن پذیرفته شده است (Elo & Kyngäs, 2008: 107). استفاده از رویکرد استقرایی که از آن به عنوان تحلیل محتوای متعارف هم نام برده شده است، بیشتر زمانی ضرورت می‌یابد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و محقق می‌خواهد دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم سازد. این شیوه تحلیل محتوا بیشتر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این روش، توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌هاست (Thomas, 2006: 2). این روش به جای جستجو برای دستیابی به یک نظریه، توسعه مفهومی را دنبال می‌کند (Hsieh & Shannon, 2005: 1278-1281).

نخست، داده‌ها از میان آیات وحی گردآوری و پس از کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی، مقوله‌ها و مقولات هسته تعیین می‌شود و راه برای دستیابی به پاسخ سؤالات پژوهش فراهم می‌گردد. آنچه در این روش حائز اهمیت است و خلاقیت و اتقان پژوهش را تضمین می‌کند، احاطه پژوهشگر به دو دانش تفسیر اجتماعی قرآن کریم و جامعه‌شناسی پیشرفت است که در این میان، تخصص در تفسیر اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است. مقصود از تفسیر اجتماعی، مجموعه‌ای از شروح، توضیحات، استنباطات و تحلیل‌هایی است که مفسران در طی قرون و اعصار در ذیل آیات اجتماعی قرآن مجید عرضه کرده‌اند. آیات اجتماعی نیز به آیاتی اطلاق می‌شود که به زندگی اجتماعی انسان و لوازم و آثار و پیامدهای آن مربوط باشد (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

۵. یافته‌های تحقیق

۱-۵. مقوله کنش‌های اخلاق اجتماعی

خداوند در آیات مختلف، مسلمانان را به رعایت آداب و اخلاق اسلامی و توصیه‌هایی مانند: رعایت عدالت، احترام متقابل، سنجیده‌گویی، مناسبات اجتماعی مطلوب و... دعوت کرده است که التزام به این دسته از کنش‌ها، تعاملات و ارتباطات اجتماعی را متحول می‌سازد؛ چون فراوانی تعاملات اخلاقی بین آحاد یک جامعه، انسجام و همبستگی اجتماعی را ارتقا داده و می‌تواند زمینه ظهور اعتماد اجتماعی را فراهم سازد و در نتیجه هم‌افزایی که شرط تحقق پیشرفت محسوب می‌شود، در آن ظاهر گردد. چنان که مستندات تاریخی نیز گواهی صادق بر این مدعاست، که یک عامل اصلی در پیشرفت جوامع، رعایت مسائل اخلاقی از سوی پیامبر عظیم‌الشان اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سفیران ایشان در داخل سرزمین‌های اسلامی و مناطق تازه تصرف‌شده بوده است (العلی، ۱۳۸۱: ۴۰۸). مجموع این مستندات و گزاره‌های دینی مرتبط، اندیشمندان جهان اسلام را به تفکر و تحلیل واداشته که چگونه این دسته از تعالیم، کنش‌های معطوف به پیشرفت را شکل داده است.

۱-۱-۵. کنش ایثارگرانه

قرآن کریم در تبادلات اجتماعی، دست‌کم از سه اصل سخن به میان آورده است: عدالت، احسان و ایثار. عدالت که در شمار قاعده عمومی کنش محسوب می‌شود، به معنای اعطای حق به ذی‌حق است که توزیع مزایا را مبتنی بر اصل استحقاق و شایستگی می‌داند (مطهری، ۱۴۰۳: ۱۶). احسان که مرتبه‌ای پس از عدالت است، به معنای نفع رساندن به دیگران بدون چشمداشت و جبران متقابل است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۶: ۳۰۱/۳). اما ایثار که یک مرحله بالاتر از احسان است، به معنای ترجیح دادن و مقدم داشتن دیگران بر خود است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳۵۷/۱۹). با این وصف، به مقتضای اصل عدالت، اگر فردی باری از دوش اجتماع برمی‌دارد، متناسب با آن، حقی نیز بر اجتماع پیدا می‌کند. اما در کنش مبتنی بر احسان و ایثار، دریافت نفع مادی متقابل وجود ندارد و افراد

این گونه کنش‌ها را عمدتاً با انگیزه‌های معنوی و نفع اخروی انجام می‌دهند و این امر منجر به تولید سرمایه اجتماعی شده که یکی از ارکان پیشرفت اجتماعی است. در قرآن کریم در موارد متعدد، مصادیق رفتار مبتنی بر احسان و ایثار بیان شده است. ایثار انصار نسبت به مهاجرین، یکی از این مصادیق است (ر.ک: حشر/ ۹). انصار علی‌رغم تنگدستی و نیاز، تنها به منظور ابراز محبت و علاقه‌ای که به هموعانشان داشتند، مهاجرین را عزیز شمردند و از مایحتاجشان گذشتند و به میهمانانشان که از مکه آمده بودند، ایثار کردند. خداوند پاداش این دسته از کنشگران را رستگاری برمی‌شمارد، که شکلی از پیشرفت کمالات انسانی است.

کنش‌های مبتنی بر احسان و ایثار، افزون بر اینکه سازوکار حمایتی لازم را برای اقبال آسیب‌پذیر جامعه فراهم می‌سازند، رحمت، محبت و همبستگی اجتماعی را توسعه می‌دهند و باعث امنیت عمومی و گردش ثروت در اجتماع می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۷۹/۱۲). این دسته از کنش‌های محسانانه، زمینه را برای تربیت معنوی و رهایی بشر از بند طمع و خودخواهی افراطی فراهم ساخته، دارای اهمیت بنیادی بوده و از ملزومات جامعه پیشرفته شمرده می‌شوند. انسان برای اینکه بتواند بر حرص و خودخواهی ذاتی اش غلبه نماید و علاوه بر منافع فردی، مصالح دیگران و جامعه را نیز مدنظر قرار دهد، نیازمند تربیت است و این تربیت مبتنی بر کنش‌های ایثارگرانه و دگردوستانه محقق می‌شود (صدر، ۱۴۰۳: ۷۱۵). از دیگر سو با درونی شدن فرهنگ ایثار، کنش‌های مبتنی بر آن کل می‌گیرد و منجر به کاهش هزینه‌های ارتباطات اجتماعی و تسهیل کنش‌های اجتماعی هدفمند می‌شود. بر این اساس، کنش‌های مبتنی بر احسان و ایثار صرفاً ناشی از انفعالات روانی و غلیان عواطف شمرده نمی‌شود، بلکه در ورای آن، عقلانیت پرمایه‌ای وجود دارد که باعث می‌شود انسان‌های حسابگر، نسبت به مصالح دیگران اهتمام داشته و یا حتی آن را بر منافع فردی خود مقدم بدانند؛ چرا که در ازای آن‌ها علاوه بر بهگشت شرایط اجتماعی مانند توسعه فضاهای هم‌دلانه و مبتنی بر صمیمیت، منافع اخروی پایدار و درجات متعالی معنوی و پیشرفت مادی که در اثر ایثار در حق دیگران حاصل می‌شود، می‌تواند در بین آحاد جامعه به وجود آید و پیشرفت اجتماعی را محقق سازد.



شکل ۱: رابطه کنش اخلاقی ایثارگرانه با پیشرفت

۲-۱-۵. کنش فروتنانه

در قرآن کریم در آیات گوناگونی بر کنش مبتنی بر تواضع و فروتنی تأکید گردیده و عامل رشد و تکامل مادی و معنوی انسان معرفی شده است (مائده/ ۵۴؛ فرقان/ ۶۳؛ شعراء/ ۲۱۵) و در برابر فروتنی، کبر و تکبر قرار دارد. کبر و غرور و خودبرتربینی از رذیلت‌های اخلاقی و سرچشمه غربت و رمیدن از خود، خدا، جامعه و نزدیک‌ترین خویشان و دوستان است و مایه سقوط در ورطه آلودگی به انواع کجروی‌ها و دور افتادن از شناخت درست حقایق و انحراف از مسیر تکامل معرفی شده است (نساء/ ۱۷۳؛ زمر/ ۷۲) و یکی از موانع مهم پیشرفت به حساب می‌آید. از این رو قرآن کریم از یکسو، همواره متکبران را سرزنش کرده و بر روی ساده‌ترین جلوه‌های رفتاری که حاکی از غرور و نخوت باشد، انگشت گذاشته (غافر/ ۳۵) و از سوی دیگر، کنش‌های متواضعانه را ستوده و آن‌ها را در شمار صفات نیک اخلاقی مؤمنان و عبادالرحمان شمرده است (فرقان/ ۶۳).

حضرت لقمان علیه السلام به دو صفت بسیار زشت و ناپسند که مایه از هم پاشیدن روابط صمیمانه اجتماعی است، اشاره می‌کند: تکبر و بی‌اعتنایی، و غرور و خودپسندی. هردوی این صفات زشت، در این جهت مشترک‌اند که انسان را در عالمی از توهم و پندار و خودبرتربینی فرو می‌برند و رابطه او را با دیگران قطع می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۵۴).

نتیجه اینکه گسست صمیمیت‌ها، منجر به فاصله اجتماعی شده و فاصله اجتماعی نیز با انسجام و همبستگی اجتماعی که از شرایط پیشرفت اجتماعی است، تعارض جدی دارد. به منظور درونی‌سازی این خصوصیت رفتاری می‌توان بر این گزاره تأکید داشت که ادامه تواضع و فروتنی بندگان در برابر پروردگار، در تعامل با بندگان خدا نیز پدیدار می‌گردد و بخشی از سیره رفتاری آنان می‌شود که نتیجه آن، تألیف قلوب، همزیستی و

تعاون اجتماعی، سرازیر شدن نعمت‌های مادی و معنوی و بالاخره رشد و تکامل و پیشرفت جامعه است. بدین جهت است که خداوند به شخص پیامبر نسبت به کنش‌های فروتنانه در برابر مؤمنان فرمان می‌دهد (حجر/ ۸۸). این تعبیر، کنایه زیبایی از تواضع و محبت و ملاطفت است (همان: ۱۱/۱۳۲). با این شیوه رفتاری و الگوی عملی، امت سالم، متحد، مترقی، مهربان و صمیمی شکل می‌گیرد.



شکل ۲: رابطه کنش اخلاقی فروتنانه با پیشرفت

۳-۱-۵. کنش از خودگذشتگی

قرآن کریم به توانگران و صاحبان مکنت و ثروت و کسانی که از حشمت و شکوهی برخوردارند، نهیب می‌زند که از انفاق به خویشان، مسکینان و مهاجران کوتاهی نکنند و نسبت به آنان عفو و گذشت داشته باشند و این خصلت بشری را به خصلت خداوندی تشبیه می‌کند (نور/ ۲۲)؛ چنان که عفو و گذشت نسبت به کجروی هموعان را از مصادیق سنجیده عمل کردن و اراده قوی در تداوم تعاملات اجتماعی معرفی می‌کند (شوری/ ۴۳). همچنین قرآن کریم به گذشت از همنوع توصیه کرده است (بقره/ ۲۳۷؛ آل عمران/ ۱۳۴)؛ زیرا این عفو و گذشت می‌تواند به ایجاد روابط عاطفی و به دور از کینه کمک کرده و در نتیجه مولد روابط گرم و مبتنی بر عواطف باشد و منجر به بهبود روابط و مناسبات اجتماعی شود. طبیعی است که تراکم و انباشت این دسته از کنش‌ها می‌تواند زمینه را برای رشد و پیشرفت جامعه فراهم سازد.

بر اساس تحلیلی دیگر می‌توان گفت که یکی از روش‌های اصلاحات اجتماعی بر اساس فرهنگ قرآنی، گذشت و عفو به‌جا نسبت به عمل زشت و نابهنجار دیگران

است. تداوم این وضعیت می‌تواند شرمساری شخص نابهنجار را در پی داشته باشد و موجب تصحیح رفتار او بدون ایجاد تنش شود؛ زیرا وجود تنش در جامعه با پیشرفت ناسازگار است. با این وصف، شایسته است همان گونه که خداوند نسبت به نابهنجاری‌های بندگانش گذشت دارد، آحاد جامعه نیز نسبت به کنش‌های نامطلوب هم‌نوعانشان چشم‌پوشی کنند تا از گسست روابط اجتماعی و انقطاع تعاملات جلوگیری شود؛ زیرا بهبود روابط و مناسبات اجتماعی می‌تواند باعث فراوانی تعاملات اجتماعی به منظور هم‌افزایی در مسیر پیشرفت شود.



شکل ۳: رابطه کنش اخلاقی گذشت با پیشرفت

۴-۱-۵. کنش مبتنی بر محبت‌ورزی

کنش‌های مبتنی بر محبت و مهرورزی، از مصادیق کنش عاطفی بوده و در زیرمجموعه کنش‌های اجتماعی جایابی می‌شوند. این دسته از کنش‌ها از مبانی تربیت نفوس، تزکیه و تطهیر باطن شمرده شده و از مؤثرترین عوامل در پیشرفت جامعه قلمداد می‌شوند؛ زیرا مهرورزی نه تنها به تقویت هویت فرهنگی در جامعه و پشتیبانی از آن منجر می‌شود، بلکه موجب شناسایی هر چه بیشتر تفاوت‌ها و مشابهت‌ها می‌گردد و می‌تواند سبب شود که انسان‌ها به درک درستی از همکاری برای رسیدن به سعادت همگان دست یابند.

در قرآن کریم، مهم‌ترین ویژگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مهربانی و رحمت‌ورزی معرفی

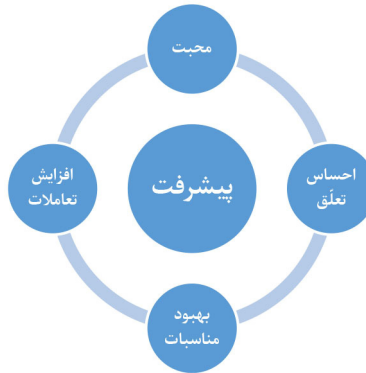
شده است (انبیاء/ ۱۰۷)؛ چنان که مهربانی با مردم را زمینه گسترش تعاملات اجتماعی برشمرده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یادآوری می‌کند که اگر از چنین ویژگی‌ای برخوردار نبودی، کسی به گرد تو جمع نمی‌شد (آل عمران/ ۱۵۹)؛ زیرا تو در پرتو رحمت و لطف پروردگار با مردم مهربان شدی، در حالی که اگر خشن، تندخو و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند (همان: ۱۴۱/۳). همچنین معاشرت افراد با یکدیگر را بر پایه محبت تعریف کرده است (نور/ ۲۲؛ فصلت/ ۳۴-۳۵؛ فتح/ ۲۹).

آموزه‌های جامعه‌شناختی و تعالیم دینی، عزت و شکوه جوامع را در گرو الفت دل‌های افراد معرفی می‌کند؛ چرا که انسان، خواهان کمال است و حصول کمال در گرو اجتماع اشخاص، و حقیقت اجتماع وابسته به حب و قرب باطنی افراد است. این محبت قلوب در میان افراد جامعه، هر چه گسترده‌تر باشد، رشد و شکوفایی آن جامعه بیشتر خواهد شد. به عبارت دیگر، بین دو متغیر مهر و محبت و میزان پیشرفت در یک جامعه، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. قرآن کریم اختلاف دیرین بین دو قبیله اوس و خزرج را که پیش از اسلام به نبردهای خونین کشیده شده بود و امنیت و آرامش از میانشان رخت بر بسته بود، یادآوری می‌کند و پس از پذیرش اسلام، محبت را عامل برادری و وحدت میان آنان قلمداد می‌کند و شکوفایی جامعه مدینه را در گرو همین مهربانی و الفت برمی‌شمارد (آل عمران/ ۱۰۳).

با این وصف، یکی از مهم‌ترین اهداف جوامع پیشرفته که مورد تأکید اسلام نیز قرار گرفته، پرورش روحیه اخوت و همدلی در بین مسلمانان و جلوگیری از اختلاف و تفرقه می‌باشد. اسلام، مسلمانان را اعضای یک خانواده به حساب آورده و میان آنان رابطه برادری قائل است و همه را با هم برادر می‌داند (حجرات/ ۱۰). مبنای اخوت در اسلام بر اساس حقوقی است که هر یک از آحاد جامعه بر یکدیگر دارند. بر اساس اخوت و برادری، هر یک از افراد موظف‌اند نسبت به انجام حقوق اجتماعی و معاشرتی افراد دیگر، نهایت تلاش و کوشش خویش را به کار گیرند. از جمله آثار برجسته آن، صلاح و رفق افراد اهل ایمان با یکدیگر است. آنان پیوسته بر این نکته مواظبت دارند که نثار و کدورتی میان آنان رخ ندهد و چنانچه رخ دهد، بی‌درنگ در مقام رفع کدورت و اصلاح خاطر طرفین برمی‌آیند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۵/۳۹۱).

خصوصیت برادری، موجب روابط گرم و عاطفی شده و احساس تعلق به یکدیگر را افزایش می‌دهد و طبیعی است که روابط بهبود و گسترش یابد. بر این اساس، عشق به مردم و دگردوستی، سرآمد مکارم اخلاقی و سجایای انسانی است که انباشت آن، زمینه دستیابی به اهداف در مسیر پیشرفت را فراهم می‌کند.

مشرکان پس از پذیرش دعوت پیامبران، برادر مؤمنان معرفی شده‌اند (توبه/ ۱۱). این امتیاز باعث بهبود روابط بین نوگرویدگان و جامعه مسلمین شده و نتیجه آن هم‌افزایی بین ایشان به منظور دستیابی به جامعه‌ای کمتر آسیب‌دیده با هدف وصول به پیشرفت‌های ترسیم‌شده است.

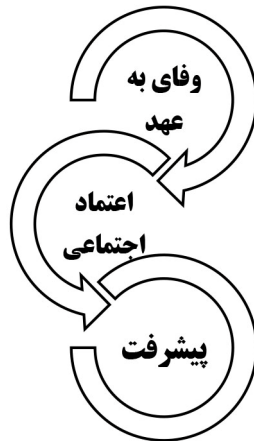


شکل ۴: رابطه کنش اخلاقی محبت با پیشرفت

۵-۱-۵. کنش وفای به عهد

وفای به عهد و اجرای قوانینی که بین آحاد یک جامعه نهاده می‌شود، می‌تواند زمینه اعتماد اجتماعی را فراهم سازد. عنصر اعتماد به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی نیز باعث هم‌افزایی گشته و حرکت در مسیر پیشرفت را تسهیل می‌کند. آنچه می‌تواند این مهم را با مشکل مواجه سازد، ایجاد اختلال در جامعه‌پذیری دینی به عنوان عاملی بنیادین است؛ چون درونی نشدن عناصر دینداری می‌تواند وقوع کنش‌های مطلوب را مختل سازد. پیامد این اختلال، موجب زوال اعتماد متقابل به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها می‌شود؛ اعتمادی که جامعه را از پراکندگی و تشتت رهانیده و همچون رشته‌های زنجیر می‌تواند پیوستگی ایجاد کند و پشتوانه فعالیت‌های هماهنگ اجتماعی

و همکاری در سطح وسیع گردد. با توجه به این مهم، اسلام به عنوان دین جامع، مسلمانان را به اموری فراخوانده تا با عمل به آن، اعتماد متقابل در جامعه تقویت و تحکیم گردد و همبستگی اجتماعی به وجود آید. آیات متعددی بر این واقعیت صحنه گذاشته و به آن دسته از تعاملاتی که وفای به عهد را در جامعه مختل می‌کند، اشاره نموده و پایبندی به آن را نسبت به همگان، حتی کفار لازم دانسته‌اند (سراسر سوره توبه)؛ زیرا سرمایه زندگی اجتماعی، اعتماد متقابل افراد جامعه است و از جمله گناهانی که رشته اطمینان و اعتماد را پاره می‌کند و زیربنای روابط اجتماعی را سست می‌نماید، ترک وفای به عهد است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۶۰۰). با این وصف، یکی از ویژگی‌هایی که ضامن استواری تعاملات اجتماعی است، وفای به عهد و اماناتی است که به آدمی سپرده شده است. قرآن کریم یکی از خصوصیات رفتاری حضرت ابراهیم علیه السلام را صادق‌الوعد بودن برمی‌شمارد (مریم/۵۴). نیز یکی از ویژگی‌های مؤمنان را وفای به عهد توصیف می‌کند (مؤمنون/۸). مؤمنان نسبت به تعهدات اجتماعی پایبندند و خویش را بدان ملتزم می‌دانند (اسراء/۳۴). عهد و پیمان تکیه‌گاهی اجتماعی در اسلام است و محور تعاون و تبادل فکری و سیاسی و تجاری به شمار می‌رود و اسلام ما را به وفاداری نسبت به پیمان‌ها، هم به لحاظ اجتماعی و هم به لحاظ اخلاقی و شرعی برمی‌انگیزد تا حکم شرع جریان پیدا کند (مدرسی، ۱۳۷۷: ۶/۲۲۸).



شکل ۵: رابطه کنش اخلاقی وفای به عهد با پیشرفت

۵-۱-۶. کنش عاری از خشونت

هیجان‌ها انواع مختلفی دارند که عبارت‌اند از: ترس، نفرت، غم، شادی، علاقه و خشم (ریو، ۱۳۸۹: ۳۲۶). شواهد بسیاری نشان می‌دهد افرادی که در زمینه احساسات و عواطف خود، قوی و چیره‌دست هستند، یعنی احساساتشان را به خوبی کنترل می‌کنند و احساسات دیگران را درک کرده و با آن‌ها به خوبی کنار می‌آیند، در هر زمینه زندگی، اعم از روابط خصوصی، خانوادگی و یا مراودات سیاسی و اجتماعی، از مزیت خوبی برخوردارند. از دیگر سو باید در نظر داشت که ایجاد و بازشناسی هیجان‌ها، شیوه مهمی برای تنظیم مبادلات اجتماعی و تعادل جسمانی و روانی ماست. در این میان، مسئله خشم و خشونت از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ زیرا خشم پرشورترین هیجان و خطرناک‌ترین آن‌هاست. وقتی خشم موجب پرخاشگری می‌شود، نابودی روان و جراحت جسم را در پی خواهد داشت (همان: ۳۳۱). از دیگر سو، اگر پیشرفت و توسعه‌یافتگی را فرایند ساختن و آبادانی جامعه بدانیم، کنش‌های مبتنی بر خشونت به عنوان عملی ضد پیشرفت در حال نابودی روابط اعتمادآمیزی است که جامعه بر آن‌ها استوار است. خشونت سرمایه اجتماعی را نابود می‌کند و منابع انسانی را فراری می‌دهد. در جامعه‌ای که میزان بزهکاری آن مبتنی بر کنش‌های خشونت‌بار از حد معمول و طبیعی بیشتر است، به همان میزان، اعتماد متقابل و همگانی در میان شهروندان نسبت به هم و دولت کاهش یافته و در نهایت زمینه‌های خودمحموری و نادیده گرفتن نظارت همگانی را فراهم می‌آورد؛ چنان که هزینه خشونت برای آحاد جامعه بیشتر می‌شود. با این وصف، کنش‌های خشونت‌آمیز بر سرمایه اجتماعی از طریق کاهش اعتماد و مشارکت میان سطوح مختلف جامعه و سازمان اجتماعی، تأثیر منفی داشته و روابط بین آحاد جامعه را مختل می‌سازد. این مهم باعث شده که قرآن کریم مؤمنان را به فرو خوردن خشم و کظم غیظ دعوت کند (شوری / ۳۷) و نیکوکاران را عاری از خشم و غیظ بداند (آل عمران / ۱۳۴). چنان که نسبت به خشم مثبت در مقابل تهدید واقعی، متناسب با شدت تهدید و با کمترین آسیب ممکن، روشنگری کرده و آن را نه تنها مذموم ندانسته، بلکه پسندیده و ضروری نیز تلقی کرده است (آل عمران / ۱۱۹؛ توبه / ۱۲۳؛ فتح / ۲۹) و هم خشم منفی و آثار زیانبار آن را توضیح داده که فرد در مقابل تهدیدی غیر واقعی و موهوم، اختیار

عقل و کنترل احساسات خود را از دست می‌دهد که ناپسند و مذموم است (توبه/ ۵۸-۵۹؛ انبیاء/ ۸۷؛ رک: معماری، ۱۳۹۴).



شکل ۶: رابطه کنش اخلاقی عدم خشونت با پیشرفت

۷-۱-۵. کنش خیرخواهانه

بنابراین کسانی که قصد دارند به سعادت و رستگاری دست یابند و در دنیا و آخرت، تعالی و تکامل روحی و معنوی داشته باشند، شایسته است که اولاً از طریق اعمال عبادی، با معبود خویش رابطه برقرار سازند؛ و دوم اینکه به واسطه کنش‌های حمایتی، با مخلوقات خداوند ارتباط داشته باشند.

بر اساس آموزه‌های دینی، نیکوکاری، کنش‌های مبتنی بر خیرخواهی و دگردوستی، از نقاط قوت آدمی شمرده شده است؛ چنان که آیات و روایات متواتر و سیره انبیا و اولیا به خوبی مؤید این نوع نگرش است. مفاد این دسته از تعالیم، هیچ امری را بعد از انجام واجبات مانند نیکی و خدمت به بندگان خداوند، باعث تقرب انسان به درگاه الهی نمی‌داند. بدین سبب است که سیره عملی انبیا و اولیای الهی، همواره در خدمت به مردم بوده است. از دیگرسو، با دقت در آیات مرتبط با کنش‌های حمایتی می‌توان کارکرد رفع فقر و محرومیت، ایجاد تعادل بین اقشار و طبقات مختلف اجتماعی و نفی نظام مالی افسارگسیخته را احصا کرد؛ چنان که این دسته از کنش‌ها می‌تواند موجب کاهش فاصله طبقاتی و گسترش انسجام اجتماعی بین آحاد جامعه شود. بنابراین کنش‌های معطوف به دیگران که منفعت و سود هم‌نوع را در پی دارد، می‌تواند به همدلی و هم‌افزایی همه‌جانبه منجر

شود. نیکی و نیک‌خواهی برای دیگران، کانون اصلی و ویژگی خاص این نوع کنش است که نفع رساندن به دیگران را در پی دارد و در آیاتی به انجام آن تأکید شده است (مائده/۲). قرآن کریم به مؤمنان دستور می‌دهد که در کارهای نیک و خدایپسندانه با یکدیگر همکاری و تعاون داشته باشند و برای انجام کارهای پسندیده و اعمالی که موجب پیدایش تقوا می‌شود، همدیگر را یاری کنند، ولی در ارتکاب گناه و در دشمنی و عداوت با یکدیگر همکاری نکنند؛ زیرا قرآن در پی آن است که روح تعاون را در جامعه اسلامی گسترش دهد. روشن است که اگر در میان افراد یک جامعه، روح تعاون حاکم شود، زمینه پیشرفت مادی و معنوی آن جامعه فراهم شده و تعاون و همکاری، بستر مناسبی برای ترقی و تعالی و شکوفایی همه‌جانبه آن جامعه می‌گردد (جعفری، ۱۳۷۶: ۳/۶۲-۶۳).



شکل ۷: رابطه کنش اخلاقی خیرخواهانه با پیشرفت

۵-۱-۸. کنش‌های نظارتی

عنصر امر به معروف و نهی از منکر که معادل آن در جامعه‌شناسی می‌تواند نظارت اجتماعی^۱ تعریف شود، در واقع بسط فراگرد اجتماعی شدن^۲ است، که با استفاده از روش‌هایی، افراد یاد می‌گیرند که خود را با باور^۳ها و ارزش‌های پذیرفته‌شده جامعه‌ای خاص تطبیق دهند و اگر این سازوکار به درستی عمل کند، افراد با تأثیر و تأثر بر یکدیگر

1. Social control.
2. Socialization.
3. Belief.
4. Value.

می‌توانند به یک تعدیل و توازی دست یابند.

با این تعریف مختصر از نظارت اجتماعی می‌توان به اهمیت و ضرورت پرداختن به این معنا پی برد که فرایند اجتماعی شدن، زمینه سازمان‌یافتگی^۱ و نظم اجتماعی^۲ را فراهم می‌آورد تا آحاد جامعه به اهداف تعیین شده دست یابند و هر گونه اختلالی در این فرایند، وصول به اهداف را دچار اشکال می‌کند. سازوکارهای نظارت اجتماعی در این مواقع با استفاده از روش‌های خاص به کار می‌آید تا بتواند نظم اجتماعی منظور را تداوم بخشد. بنابراین «بحث درباره نظارت‌های اجتماعی به توانایی اعضای جامعه در تطبیق با هنجارهای موجود ارتباط می‌یابد» (کوئن، ۱۳۷۴: ۱۴۶). بر این اساس، دین اسلام نیز یکی از هنجارهای جاری را امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است که در دو قالب هنجار تجویزی و تحذیری ظهور پیدا کرده است و بدین وسیله نظارت‌های اجتماعی به شکل سازمانی در بین آحاد مسلمین اشاعه می‌یابد. فقدان این عنصر اساسی، موجب زوال و یا اختلال در نظام اجتماعی مسلمین می‌گردد؛ چنان که در آیات ۱۱۰ تا ۱۰۴ سوره آل عمران چنین تعریف شده است. نظارت‌های اجتماعی به مثابه اهمی برای نگهداری و بقای جوامع است که اختلال در آن، موجب زوال وحدت اجتماعی می‌شود. «در آیه ۱۰۴ آل عمران دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند؛ مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند، و از بدی‌ها باز دارند. و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری، تنها از این راه ممکن است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵/۳). فلاح و رستگاری، تعبیر دیگری از پیشرفت است که به تحقق سازوکارهای نظارت اجتماعی حاصل می‌شود.

علاوه بر آیات متعددی که به این هنجار اشاره می‌کنند، روایات بسیاری نیز در این زمینه وجود دارند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آن‌ها برپا می‌شوند، و به وسیله این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود.

1. Organization.
2. Social order.
3. Norm.

حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن، زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در پرتو آن، همه کارها رو به راه می‌گردد» (حزّ عاملی، ۱۴۰۳: ۳۹۴).

بنابراین با مشارکت مردم و سازمان‌های غیر دولتی و با رعایت اصول شفافیت، پاسخگویی و اثربخشی، ضمن برآوردن نیازهای اساسی جامعه، عدالت بین نسلی تحقق یافته و از مؤلفه‌های اصلی پیشرفت شمرده می‌شود؛ زیرا مشارکت و نظارت دقیق و هدفدار آحاد جامعه، باعث افزایش توانمندی، اعتماد به نفس، آگاهی سیاسی و اجتماعی، ایفای نقش در کنترل منابع و نظارت بر تصمیمات و اجرای سیاست‌های برنامه پیشرفت در سطح جامعه می‌شود.

۵-۱-۹. کنش مبتنی بر پاکدامنی

پیشرفت جامعه اسلامی در عرصه فرهنگ و تبیین هنجارها و درونی‌سازی آن باید مبتنی بر تعلیم و تربیت بوده و این مهم را در مرکز توجه خود قرار داده و اصول رفتار اجتماعی و مبانی تربیتی و رویکردهای اصلی تعلیمات مورد نیاز جامعه را با چنین نگرشی برنامه‌ریزی کند. چنان که مطابق آموزه‌های قرآنی، برخورداری از عفت و پاکدامنی، آثار دنیوی و اخروی بسیاری برای افراد داشته و سعادت آنان را در دو جهان تضمین می‌کند. مهم‌ترین کارکرد چنین وضعیتی، آرامش روحی و روانی است که از لوازم مهم زندگی بشری شناخته می‌شود؛ به طوری که ادامه زندگی بدون آن با مشکل مواجه می‌گردد. منتسکیو، حقوق‌دان و دانشمند نامدار فرانسوی، درباره تأثیر مخرب مخدوش شدن عنصر عفاف در امنیت روانی می‌گوید:

«از دست رفتن عفت زنان به قدری تأثیرات بد و معایب و نواقص تولید می‌کند و روح مردم را فاسد می‌سازد که اگر کشوری دچار آن شود، بدبختی زیادی از آن ناشی می‌گردد. به همین جهت، قانون‌گذاران باوجدان همواره عفت را به زنان توصیه می‌کنند و از آن‌ها وقار و رعایت موازین اخلاقی را توقع دارند» (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۰: ۱۹۸).

بر این مبنا، قرآن کریم به مؤمنان دستور داده که نه تنها از انجام اعمال زشت خودداری کنند، بلکه حتی به عمل ناشایست فحشا - چه آشکار و چه پنهان - که امروزه به عنوان عملی نابهنجار از آن یاد می‌شود، نزدیک هم نشوند (انعام / ۱۵۱)؛ زیرا وقوع و

اشاعه فحشا در جامعه، متعارض با پیشرفت جامعه است و آسیب آن می‌تواند مجموعه نهادهای جامعه را دستخوش تغییر کند و به تخریب جدی برخی از نهادهای اجتماعی منجر شود. شاید بتوان گفت که علت تحریم فحشا در جامعه، جلوگیری از شیوع آن در آحاد جامعه است؛ زیرا این گونه امور از بزرگ‌ترین موارد علاقه نفس است و نفس از محرومیت نسبت به آن‌ها طبعاً سخت ناراحت می‌شود. روشن است که شیوع فحشا باعث انقطاع نسل و فساد جامعه و خانواده می‌شود و با فساد خانواده‌ها، جامعه کیبر انسانی از بس. م. ۵۰ (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۵۱۷/۷).



شکل ۸: رابطه کنش اخلاقی پاکدامنی با پیشرفت

۱۰-۱-۵. کنش صبورانه

بر اساس آموزه‌های وحیانی، یکی از کنش‌هایی که زمینه وصول به شرایط مطلوب را برای آدمی فراهم می‌کند، کنش‌های صبورانه است. قرآن کریم در آیات بسیاری، مؤمنان را به شکیبایی، خویش‌داری و صبر فراخوانده است (آل عمران / ۲۰۰؛ فصلت / ۳۴-۳۵). این خصوصیت اخلاقی دارای اقسامی است که در این نوشتار، نوع اجتماعی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ صبری که وجه اجتماعی دارد و آستانه تحمل آحاد جامعه را ارتقا داده و از همگان می‌خواهد تا نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به مسائل اجتماعی حادث در جوامع، صبر و خویش‌داری پیشه کنند. از این نوع عمل در مفاهیم دینی تعبیر به مصابره شده است. مصابره عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر، اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه، برکاتی که در صفت صبر هست، دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیشتر گردد و این معنا امری است که هم در فرد - اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته

شود. و هم در اجتماع - اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون اعضایش در نظر گرفته شود - محسوس است؛ چون باعث می‌شود که تک‌تک افراد، نیرویشان را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود (همان: ۱۴/۴). استاد جوادی آملی در ذیل تفسیر آیه ۱۲۵ سوره آل عمران چنین می‌نویسد:

«جامعه‌ای که افراد آن برخوردار از صبر و اهل صبر باشند، خداوند برای رشد و تعالی و پیشرفت و شکوفایی‌شان به آنان مدد می‌رساند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۷۳).

صبر اجتماعی، خود را در تعاملات اجتماعی بیشتر نشان می‌دهد و باعث رفع مشکلات در سطوح فردی و اجتماعی می‌شود؛ چرا که با تحمل ناراحتی‌ها و مصائب، کوشش بیشتر و همت والا به وجود آمده و بر اساس سنت الهی، زمینه برای گشایش امور و دستیابی به مطلوب فراهم می‌گردد و منجر به بهبود روابط اجتماعی و تقویت تعاملات اجتماعی و در نهایت پیشرفت خواهد شد. بنابراین رویارویی با مسائل اجتماعی و یا در مواجهه با آحاد جامعه که نیازمند به صبر و شکیبایی است، می‌تواند منجر به ظهور پیشرفت در دو حوزه معنوی و مادی شود؛ زیرا بدون صبر، تحقق اهداف اجتماعی با مشکل روبه‌رو خواهد شد، چنان که نابردباری نیز می‌تواند حرکت و تعالی را با مشکل مواجه سازد و از طرفی لازمه دستیابی به توسعه و برخورداری جامعه به رشد و استقلال، وصول به خودکفایی است و این مهم با پرورش روحیه تاب‌آوری در میان اعضای جامعه میسر می‌شود، و هر چه افراد جامعه، میزان شکیبایی خود را در برابر مشکلات افزایش دهند، احتمال وصول به خودکفایی بیشتر خواهد شد. چنان که در روایات نیز علت عقب‌ماندگی جوامع، عدم شکیبایی افراد در سختی‌ها معرفی شده است:

«مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى كُدَّةِ صَبْرٍ عَلَى الْإِفْلَاسِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲/حکمت ۱۳۲۵)؛ هر کس بر رنج و کوشش صبر نکند، باید ناداری را تحمل کند.

تحلیل اجتماعی گزاره مأخوذ از سنت علوی را می‌توان چنین توجیه کرد: دو عامل رضایت بر ثروت و سرمایه موجود و تاب‌آوری در برابر ناگواری‌ها می‌تواند منجر به خودکفایی و توسعه شده و موجب فقرزدایی شود.

قرآن در آیه ۶۱ سوره بقره، صبر و شکیبایی را عاملی مهم در تأمین خیر و مصلحت بشر

می‌شمارد و می‌فرماید: انسان اگر بر نعمت‌های خداوند که به وی داده است، صبر کند و سپاسگزار باشد، نه تنها می‌تواند از آن نعمت به خوبی بهره‌گیرد، بلکه زمینه‌های افزایش و رشد و بالندگی آن را نیز فراهم سازد. آیه ۱۳۷ سوره اعراف نیز بر این معنا دلالت می‌کند: «و به آن مردمی که به ناتوانی افتاده بودند، شرق و غرب آن سرزمین را که برکت داده بودیم، به میراث دادیم و وعده نیکویی که پروردگار تو به بنی اسرائیل داده بود، بدان سبب که شکیبایی ورزیده بودند، به کمال رسید و هر چه را فرعون و قومش می‌ساختند و کاخ‌هایی را که برمی‌افراشتند، ویران کردیم».

۱۱-۱-۵. کنش صادقانه

صداقت و راستگویی خصلتی است که زمینه اعتماد اجتماعی بین احاد جامعه را ایجاد کرده و باعث فراوانی تعاملات پیوسته بین ایشان خواهد شد. چنان که در آموزه‌های دینی نیز از آن به عنوان سرآمد فضایل انسانی یاد شده است^۱ و تحقق آن، موجب دیگر سجایای اخلاقی خواهد شد و برعکس، زوال آن در یک جامعه، باعث وجود دیگر رذایل خواهد شد.^۲ صدق، وصفی است که تمامی فضایل علم و عمل را در بر می‌گیرد. ممکن نیست که کسی دارای صدق باشد و چهار ریشه اخلاق فاضله: عفت، شجاعت، حکمت و عدالت را نداشته باشد؛ چون آدمی به غیر از اعتقاد، قول و عمل، چیز دیگری ندارد و وقتی بنا بگذارد که جز راست نگوید، ناچار می‌شود که این سه چیز را با هم مطابق سازد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱/۶۵۱).

بر این اساس، در آموزه‌های قرآنی (انعام/۱۵۲)، از کنش‌های مبتنی بر صداقت، تمجید مضاعفی شده است؛ چون صداقت، در جامعه اعتماد می‌آفریند و اعتماد اجتماعی نیز به نوبه خود زمینه‌ساز و نقطه آغاز پیشرفت است. لازم است به این مهم توجه نمود که سرمایه اجتماعی در هر نظامی، بر اعتماد و صداقت بنا شده و به هر میزانی که این اعتماد افزایش یابد، میزان سرمایه اجتماعی افزایش خواهد یافت و از این عنصر به عنوان نقطه کانونی سرمایه اجتماعی یاد می‌شود که در عرصه‌ها و موقعیت‌های مختلف، نقش تسهیلگر را ایفا می‌کند. لذا اگر اعتماد متقابل کم‌رنگ شود و مردم به همدیگر اعتماد

۱. امام علی علیه السلام: «راستی، سرآمد ایمان و زیور انسان است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۹۹۳).

۲. امام علی علیه السلام: «الصدق صلاح کل شیء. الکذب فساد کل شیء» (همان: ۱۱۱۵-۱۱۱۶).

نداشته باشند و دروغ در ارکان جامعه پدیدار شود، این مسئله در تقابل با سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد و باعث اختلال در وقوع پیشرفت خواهد شد. یک مطالعه صورت گرفته نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی، تأثیر کاهنده‌ای بر روابط و پیوند اجتماعی داشته و این امر زمینه مناسبی برای انزوای اجتماعی افراد فراهم می‌آورد. بنابراین کم‌رنگ شدن اعتماد و حاکم شدن دروغ، سرمایه اجتماعی را از بین برده و نظام اجتماعی را مختل می‌سازد (امیرکافی، ۱۳۸۰). از دیگر سو، شواهد تجربی نشان می‌دهد که جوامع با سطح سرمایه اجتماعی بالاتر، پیشرفت سریع‌تری را تجربه می‌کنند (عسگری و توحیدی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۸).



شکل ۱۰: رابطه کنش اخلاقی راستگویی با پیشرفت

نتیجه‌گیری

پس از بررسی آیات قرآن کریم و استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل آن دسته از کنش‌های اخلاقی که منجر به پیشرفت می‌شوند، نتایج زیر به دست آمد:

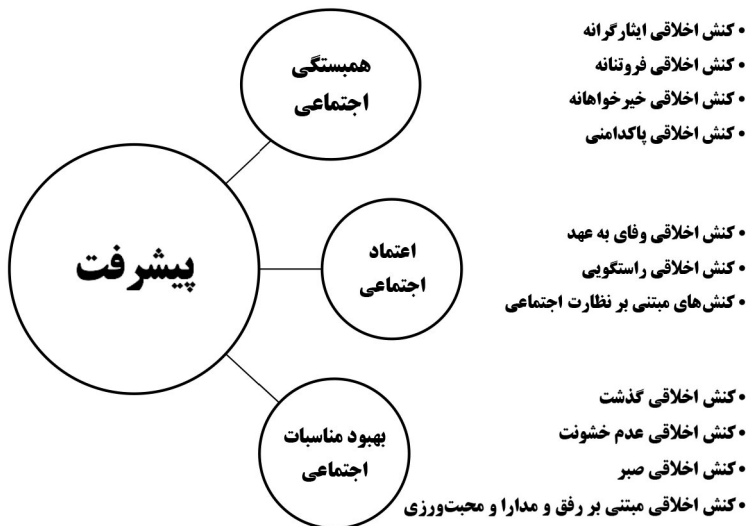
کنش‌های اخلاقی در تعامل با هم‌نوع، جایگاهی ویژه در پیشرفت جامعه دارند و منجر به توسعه و هم‌افزایی اجتماعی بین اعضای جامعه می‌شوند.

در کنش‌های ایثارگرانه، فرد علی‌رغم احتیاج، از خواسته‌های خویش به نفع آحاد جامعه صرف‌نظر می‌کند. این امر منجر به صمیمیت، باهم‌بودگی، انسجام و گسترش روابط شده و مولد روابط عاطفی به دور از کینه و روابط گرم و عاطفی شده و تراکم کنش‌های معطوف به هدف را در فضای جامعه در پی خواهد داشت. از دیگر سو، روابط برخوردار از مهر و

معبت، خیرخواهانه، عام‌گرا و عاری از خشم، زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی می‌شود. کنش‌های متعهدانه و مبتنی بر سازوکارهای نظارت اجتماعی، موجب نظم و انضباط و اعتماد اجتماعی مقرون به امانت‌داری می‌شوند؛ چنان که در کنش‌های مسامحه‌انگاری در خطاهای هم‌نوع، روحیه آرزوی اصلاح عمل و بخشش الهی برای فرد کجرو در تعاملات افراد جامعه، حفظ کنشگر در تعاملات جامعه‌وی و تداوم تعامل و بهبود آن در نظر کنشگر اخلاقی مدنظر بوده است.

شکل دیگر کنش‌های اخلاقی، صبر اجتماعی است که نوعی واکنش منطقی به دشواری‌ها و مشکلات در مسیر وصول به وضعیت مطلوب است که رهاورد آن، توصیه به خویشنداری، خودساختگی، ایجاد مطلوبیت‌ها و وعده وصول به اهداف است.

روشن شد که سازه پیشرفت، دست‌کم از سه مفهوم همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی و ارتباطات اجتماعی تشکیل شده است و هر یک از این مفاهیم و ابعاد سازه پیشرفت با یک یا چند کنش اخلاقی مرتبط است. کنش‌های اخلاقی با یک واسطه یا چند واسطه، به تقویت و رشد همبستگی، اعتماد و ارتباطات اجتماعی در سطح جامعه منجر می‌شوند و به نوبه خود، نقش مؤثری در پیشرفت دارند. شکل زیر تأثیرات کنش‌های اخلاقی را بر پیشرفت جامعه نشان می‌دهد.



شکل ۱۱: رابطه کنش‌های اخلاقی با سازه‌های پیشرفت

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. اسدی، خسرو، مقاله در: مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی، ویرایش محمد تقوی، تهران، سمت، ۱۳۷۳ ش.
۳. امیرکافی، مهدی، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۰ ش.
۴. ایازی، سیدعلی نقی، بررسی جامعه‌شناختی الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس آموزه‌های قرآن با تأکید بر کنش‌های اجتماعی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹ ش.
۵. تقی‌زاده داوری، محمود، مجموعه مقالات اجتماعی، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۸ ش.
۶. تیمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالكلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۷. توسلی، غلامعباس، مقاله در: مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی، ویرایش محمد تقوی، تهران، سمت، ۱۳۷۳ ش.
۸. جداری عالی، محمد، «مبانی ارزش‌شناختی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، فصلنامه قیاسات، سال بیست و یکم، شماره ۸۰، تابستان ۱۳۹۵ ش.
۹. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، هجرت، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، انواردرخشان، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابروش لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. دهقان، علیرضا، و غلامرضا غفّاری، «تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴ ش.
۱۴. ریو، جان مارشال، انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، روان، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. شاهبازپور، حسین، مهدی محمودی، و مرتضی حاجی‌زاده، «الگوی پیشرفت سیاسی جامعه مبتنی بر نظام جامع آموزه‌های قرآن کریم (تبیین مبانی، شاخص‌ها و اندیشه حاکم بر الگو)»، دوفصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ششم، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۱۶. صدر، سیدمحمدباقر، الفتاوی‌الواضحة وفتا‌لمذهب‌الشیعی، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. صدری افشار، غلامحسین، نسرین حکمی، و نسترن حکمی، فرهنگ‌گزیده فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳ ش.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۱۹. عسگری، محمدمهدی، و ابوالقاسم توحیدی‌نیا، «تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی»، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ ش.
۲۰. العلی، صالح احمد، دولت رسول خدا ﷺ، ترجمه هادی انصاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ ش.

۲۱. فیلد، جان، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، چاپ سوم، تهران، کویر، ۱۳۹۲ ش.
۲۲. کوئن، بروس، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. لک‌زایی، نجف، و محمد سنقری، «الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس مفاهیم قرآن کریم»، *فصلنامه سیاست‌متعالیه*، سال سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۴ ش.
۲۴. مدرسی، سیدمحمدتقی، *تفسیر هدایت*، ترجمه گروهی از مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.
۲۶. همو، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲۷. همو، *مشکات (مجموعه آثار حضرت آیه‌الله مصباح): به سوی او*، تحقیق محمد مهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ ش.
۲۸. مطهری، مرتضی، *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، حکمت، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. معماری، داود، و محمد زمردی، «خشتم و مدیریت آن در قرآن کریم»، *فصلنامه سراج منیر*، سال ششم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۴ ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۱. هاشمی رکاوندی، سیدمجتبی، *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن (با نگرش علمی و اسلامی)*، قم، شفق، ۱۳۷۰ ش.
32. Elo, Satu & Helvi Kyngäs, "The Qualitative Content Analysis Process", *Journal of Advanced Nursing*, Vol. 62(1), Wiley Online Library, 2008.
33. Hsieh, Hsiu-Fang & Sarah E. Shannon, "Three Approaches to Qualitative Content Analysis", *Qualitative Health Research*, Vol. 15(9), November 2005.
34. Mayring, Philipp, "Qualitative Content Analysis", in: Uwe Flick, Ernst von Kardoff & Ines Steinke (Eds.), *A Companion To Qualitative Research*, London, SAGE Publications Ltd., 2003.
35. Thomas, David R., "A General Inductive Approach for Analyzing Qualitative Evaluation Data", *American Journal of Evaluation*, Vol. 27(2), 2006.